



تحلیل سبک‌شناختی نحوی - بلاغی ساخت‌های همپایه در خطبه‌ی یکصد و یازدهم نهج‌البلاغه

مرتضی قائمی^{۱*}، فائزه صاعدانور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۲۱

چکیده

امام علی (ع) در خطبه‌ی یکصد و یازدهم نهج‌البلاغه، بسیاری از صنایع ادبی و تمهیدات زبانی را هنرمندانه به خدمت گرفته است. یکی از شیوه‌های سبک‌ساز ایشان، استفاده‌ی گسترده از ساخت‌های همپایه است. امام (ع) با روش‌های مختلفی، از جمله تقویت موسیقی، آهنگ کلام و تأکید بر سخنان و با هدف انتقال پیام‌های خود، از این ساخت‌ها استفاده نموده است. ساخت‌های همپایه در این خطبه، دو سازه‌ای، سه سازه‌ای و زنجیره‌ای است. این ساخت‌های همپایه شامل: جمله‌های اسمیه، جمله‌های فعلیه و اجزای جمله است که از لحاظ معنایی دارای روابط مختلفی مانند تضاد، ترادف، بیان علت، تناوب و توالی است. در این پژوهش تلاش شده است به روش تحلیلی-توصیفی، انواع ساخت‌های همپایه در ابعاد گوناگون نحوی و ارتباط آن با حوزه‌های بلاغی، موسیقایی و محتوایی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ساخت‌های همپایه، سبک‌شناسی، خطبه، نهج‌البلاغه

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

*: نویسنده مسئول

مقدمه

سبک‌شناسی یکی از جامع‌ترین روش‌های نقد و تحلیل متون، به‌ویژه آثار ادبی است و در نقد ادبی نوین جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. سبک‌شناسان شیوه‌های مختلفی را برای سبک‌شناسی یک اثر ادبی برمی‌گزینند. «مطالعات سبک‌شناسی در دو شاخه عملی و نظری انجام می‌گیرد. موضوع شاخه‌ی نظری بحث‌های تئوریک و مفاهیم نظری درباره‌ی سبک و دانش سبک‌شناسی است. مباحثی مانند تعریف سبک و اقسام و انواع آن؛ اما سبک‌شناسی عملی به تحلیل سبک متون و ارزش‌ها و ویژگی‌های آن می‌پردازد» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۲: ۹۳). سبک‌شناسی عملی غالباً به شکل لایه‌ای و از جمله در پنج لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردی انجام می‌شود. بسیاری از پژوهشگران برای سبک‌شناسی یک اثر ادبی سه سطح فکری، ادبی و زبانی (شامل سطح آوایی، سطح لغوی و سطح نحوی) را مطرح کرده‌اند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۸: صفحات متعدد).

یکی از موارد مهمی که در لایه‌ی نحوی مورد بررسی واقع می‌گردد، ساختمان جملات و چگونگی پیوند آن‌ها با یکدیگر است که ساخت‌های همپایه و چگونگی به‌کارگیری آن در بررسی و تحلیل این حوزه نقشی اساسی ایفا می‌نماید.

در این پژوهش، نگارندگان می‌کوشند سبک امام(ع) را در استفاده از ساخت‌های همپایه در خطبه‌ی یکصد و یازدهم نهج البلاغه که موضوعش وصف دنیا و فریبندگی آن است، مورد تحلیل قرار دهند تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ گویند:

۱. مهم‌ترین ویژگی‌های سبک‌ساز خطبه‌ی یکصدویازدهم نهج‌البلاغه در بهره‌گیری از ساخت‌های همپایه چیست؟
۲. از میان همپایگی‌های بلاغی، موسیقایی و واژگانی کدامیک بیشترین ارتباط و همراهی را با همپایگی نحوی در این خطبه برقرار کرده است؟

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون کتابی که صرفاً به مقوله‌ی همپایگی پرداخته باشد، نگاشته نشده است، اما مقالات بسیاری در زمینه‌ی بررسی ساخت‌های همپایه به رشته تحریر درآمده است. از جمله مقاله‌ی ساخت‌های همپایه و نقش زیباشناختی آن‌ها در کلیله‌و‌دمنه اثر محمدرضا عمران‌پور، در دو فصلنامه‌ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی سال ۱۳۸۴ شماره‌ی پنجم و مقاله‌ی ساخت‌های همپایگی با نگاهی به زبان فارسی اثر منصور شعبانی در مجله‌ی ادب‌پژوهی سال ۱۳۸۹ شماره‌ی سیزدهم و مقاله‌ی جمالیات التوازی فی تراکیب الشعریه عند ابي حمو موسی الزیانی: سلیم بوزید در مجله‌ی المخبر سال ۲۰۱۳ شماره‌ی نهم و مقاله‌ی الجمل المتوازیة عند طه حسین «دراسة فی احلام شهرزاد»: رجب عبد الجواد در مجله‌ی علوم اللغة سال ۲۰۰۰ شماره‌ی پنجم و مقالات پرشمار دیگری که ذکر همه‌ی آن‌ها در این وجیزه نمی‌گنجد. در

میان پژوهش‌های انجام‌شده در مبحث همپایگی، پژوهشی در نهج البلاغه انجام نشده است؛ لذا بررسی چگونگی کاربرد جملات همپایه در نهج البلاغه نیز، می‌تواند در شناخت و بهره‌مندی بیشتر از آن مفید باشد.

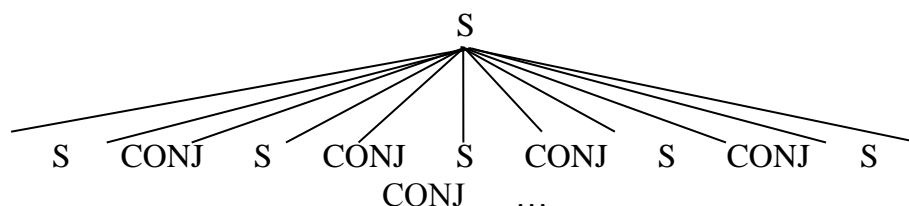
روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با رجوع به منابع علمی معتبر، اعم از کتاب و مقاله، داده‌ها تحلیل و جمع‌آوری، سپس سامان‌دهی می‌گردد. ابتدا تعریف کوتاهی از مفهوم همپایگی داشته، سپس به بیان ساختار ساخت‌های همپایه، انواع آن‌ها، همپایگی واژگانی، بلاغی و موسیقایی و ارتباط آن‌ها، در خطبه‌ی یکصد و یازدهم نهج البلاغه خواهیم پرداخت. همچنین لازم به ذکر است به علت کوتاه بودن خطبه، تعدادی از مثال‌ها در نمونه‌های مختلف تکرار شده‌اند.

مفهوم همپایگی

یکی از مواردی که در ساختمان جملات و تشخیص سبک نحوی آثار ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد، همپایگی است. «در میان جملات مختلف یک متن، گروهی از جمله‌ها، با حرف ربط به یکدیگر مربوط می‌شوند. گروهی از این حروف، حروف ربط همپایگی است که کلمه یا گروه یا جمله‌واره‌ای را همسان و همپایه کلمه یا گروه یا جمله‌واره دیگر می‌کند، یا به‌عبارت‌دیگر دو یا چند جمله‌واره یا کلمه یا گروه را در یک وظیفه دستوری شریک می‌سازد، یعنی اگر کلمه یا گروهی فاعل باشد، همپایه آن نیز فاعل و اگر مفعول باشد، همپایه‌اش نیز مفعول است و غیره» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۲۷) و همچنین «اگر جمله‌ای مستقل باشد، همپایه‌ی آن نیز مستقل و اگر وابسته باشد همپایه‌اش نیز وابسته است» (همان، ۱۳۴۴: ۳). گروهی از کلمات، گروه‌ها و یا جمله‌واره‌ها که با ادات همپایه‌ساز به یکدیگر متصل شده و گروه جدیدی را به‌وجود می‌آورند، یک «ساخت» نامیده شده و «قسمت‌های همپایه» نیز، «سازه» نام دارند. شایان‌ذکر است «گروه، دو یا چند کلمه است که معنای کاملی نداشته باشد، به‌صورت جمله یا جمله کوچک یا کلمه مرکب درنیامده باشد و نقش یکی از کلمات و واحدهای دستوری را در کلام بازی کند. به‌عبارت‌دیگر شکلی است از زبان که در ساختمان جمله یا جمله کوچک به کار رفته باشد و کلمات داخل آن هر یک دارای تکیه خاص خود باشد، مانند کتاب هوشنگ» (همان، ۱۳۵۵: ۲)؛ بنابراین «همپایگی عبارت است از فرایند ایجاد یک ساخت از طریق پیوستن دو یا چند سازه هم نوع به کمک یک حرف ربط» (فالک، ۱۳۷۲: ۳۰۹). «به عقیده هارتمن، همپایگی به ساختارهایی اطلاق می‌گردد که ویژگی‌های عمده آن‌ها عبارت‌اند از: الف) تکرار نوع سازه؛ ب) تفکیک سازه‌های تکراری به‌واسطه دست‌کم یک حرف ربط همپایگی؛ تقلیل اختیاری عناصر حشو» (شعبانی، ۱۳۸۹: ۲).

«ازلحاظ زبانی، برای تعداد جمله‌هایی که به‌طور همپایه به یکدیگر افزوده می‌گردد، محدودیتی نیست» (مشکوه الدینی، ۱۳۷۰: ۷۸)؛ بنابراین نمودار امکان وجود جمله‌های همپایه ثانوی بدین گونه می‌باشد:



نمودار ۱۱

به‌عنوان مثال: در جملات زیر رابطه‌ی همپایگی برقرار است:

(۱) علی، محمد، احمد و رضا دانشجو هستند. در این جمله بین نهادهای جمله رابطه همپایگی وجود داشته و همه‌ی آن‌ها در نقش نحوی یکسان قرار گرفته‌اند و سازه‌های یک ساخت همپایگی محسوب می‌گردد.
(۲) علی غذا می‌خورد، محمد درس می‌خواند و رضا تلویزیون تماشا می‌کند. در این مثال نیز، هر سه جمله دارای نقش‌های نحوی یکسانی بوده و هر سه سازه از نهاد، مفعول و مسند تشکیل شده و یک ساخت همپایگی تام را ایجاد نموده است.

پیشینه‌ی مطالعات پیرامون ساخت‌های همپایه

مبحث همپایگی یکی از موضوعاتی است که از دیرباز، در کتب بلاغی مورد توجه قرار گرفته است. قدما نیز به وجود ساخت‌های همپایه اشاره داشته و آن را با نام‌های مختلفی همچون «مماثله»، «اتساق بناء»، «مقابله»، «تناسب» و «تشطیر» و گاهی «توازی»، تعریف کرده‌اند. در این قسمت نگاه کوتاهی بر دو کتاب «جواهر الالفاظ» و «الصناعتین» می‌افکنیم:

قدامه بن جعفر در باب سوم کتاب «جواهر الالفاظ» (المشابهة و المحاکاة و الإیصال) می‌گوید: «یقال هما مثلان و قرنان و رسیلان و متجانسان و متشابهان و متشاکهان و متضاهیان ... و متطابقان و متساویان و متوازیان و متقاومان» (بغدادی، ۱۳۵۰ هـ: ۱۳). وی کلمه متوازی را برابر با مشابه می‌داند.

نیز ابوهلال عسکری در کتاب «الصناعتین: الكتابة و الشعر»، از همپایگی با نام «تشطیر» یاد می‌کند و بیان می‌دارد: «و هو أن يتوازن المصراعان والجزآن و تتعادل أقسامها مع قیام کل واحد

۱. S: ساخت (Structures)، CONJ: حرف ربط همپایه ساز (conjunction)

منهما بنفسه و استغنائه عن صاحبه. فمثاله من النثر قول بعضهم: من عتب علی الزمان طالت معتبته و من رضی عن الزمان طابت معیشته»^۱ (عسکری، بی تا: ۲۷۹).

ساختار ساخت‌های همپایه در خطبه

«ساخت، هر کل متشکلی است که از ترتیب و تنظیم تعدادی اجزای کوچک‌تر از خودش طبق قاعده درست شده باشد و بتواند کار معینی را انجام دهد. اجزای سازنده ساخت را واحد ساختاری می‌گویند و نظمی که طبق قاعده میان واحدهای ساختاری هر ساختی پدید می‌آید روابط ساختاری» (حق شناس، ۱۳۷۰: ۱۷۵).

چنانچه سازه‌ای از یک کلمه تشکیل شده باشد، سازه کلمه‌ای، اگر از گروه تشکیل شده باشد، سازه گروهی و اگر از جمله (جمله‌ای که دارای اجزای اصلی مانند: فعل+فاعل و مبتدا+خبر باشد) تشکیل شده باشد، سازه جمله‌واره‌ای نامیده می‌شود. در این خطبه، اغلب ساخت‌های همپایه از سازه‌های جمله‌واره‌ای تشکیل شده‌اند که کوچک‌ترین این سازه‌ها شامل ساختمان نحوی زیر می‌باشد:

فعل + فاعل: إِنْ جَانِبُ مِنْهَا «إِعْدُوذَبٍ» وَ «إِحْلُولِي» أَمَرَ مِنْهَا جَانِبٌ فَأُوبِي ۲.

و **مبتدا + خبر:** برای مثال ساخت همپایه زیر از جملات مکرر اسمیه کوتاه شکل گرفته است:

سُلْطَانُهَا دَوْلٌ وَ عَيْشُهَا رَيْقٌ وَ عَذْبُهَا أَجَاجٌ وَ حُلُوهَا صَبْرٌ وَ ...

در این خطبه، هم ساخت‌های دو سازه‌ای و هم ساخت‌های بلندتر و هم ساخت‌های زنجیره‌ای وجود دارد. بلندترین آن‌ها ساخت دوازده سازه‌ای است که در بخش‌های آینده ذکر می‌گردد. یکی از ویژگی‌های سبک‌ساز این خطبه، استفاده فراوان از ساخت‌های چندسازه‌ای و زنجیره‌ای است که در تمایز سبک امام (ع) نقش دارد.

همپایگی ناآشکار

همپایگی را می‌توان به دو دسته همپایگی ناآشکار و آشکار تقسیم‌بندی کرد. «در همپایگی ناآشکار، حرف ربط همپایگی آشکاری وجود ندارد، در صورتی که در همپایگی آشکار حرف ربط همپایگی به‌عنوان ابزاری آشکار برای پیوند همپایه‌ها به کار می‌رود» (شعبانی، ۱۳۸۹: ۲). در این خطبه، اکثر همپایه‌ها، آشکار بوده و تعداد کمی ناآشکار می‌باشد:

همپایگی ناآشکار: فَإِنَّهَا «حُلُوهٌ خَصْرَةٌ»، «حَقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ» ۳.

۱. تشطیر آن است که دو مصراع یا دو جزء، باوجوداینکه هر کدام ساختار کاملی داشته و به جمله‌ای وابسته نیستند، با یکدیگر موازی بوده و اجزای نحوی شبیه به هم داشته باشند.

۲. اگر از یک طرف شیرین و گوارا باشد از طرف دیگر تلخ و ناگوار است.

۳. همانا دنیا در کام شیرین و در دیده انسان سبز و رنگارنگ است و در شهوات و خواهش‌های نفسانی پوشیده شده است.

«غَرَّارَةٌ غُرُورٌ مَا فِيهَا»، «فَانِيَةٌ، فَا نَ مِنْ عَلَيْهَا»^۱.
 «غَرَّارَةٌ، ضَرَّارَةٌ، حَائِلَةٌ، زَائِلَةٌ، نَافِذَةٌ، بَائِدَةٌ، أَكَّالَةٌ، غَوَّالَةٌ»^۲.

همپایگی آشکار

حروف ربط به دو نوع وابسته‌ساز و همپایه‌ساز تقسیم می‌شود و منظور از حروف ربط در این پژوهش، حروف ربط همپایه‌ساز و در ساخت‌هایی است که معطوف و معطوف‌علیه آن در یک نقش نحوی یکسان قرار گرفته باشد. همپایگی آشکار را می‌توان برحسب تعداد حروف ربط همپایه‌ساز به ساخت‌های همپایگی تک حرف ربطی، دو حرف ربطی و چند حرف ربطی تقسیم‌بندی کرد. در این خطبه، هم ساخت‌های تک حرف ربطی و هم ساخت‌های چند حرف ربطی وجود دارد، اما اکثر ساخت‌های همپایه تک حرف ربطی می‌باشد:

همپایگی تک حرف ربطی: «لَا يُخْشَى فَجَعُهُمْ» و «لَا يُرْجَى دَفْعُهُمْ»^۳.

همپایگی دو حرف ربطی: فَهَلْ بَلَّغَكُمْ أَنَّ الدُّنْيَا «سَخَتْ لَهُمْ نَفْسًا بِفِدْيَةٍ» أو «أَعَاتَتْهُمْ بِمَعُونَةٍ» أو «أَحْسَنْتَ لَهُمْ صُحْبَةً»^۴.

همپایگی چند حرف ربطی: «بِظَهْرِ الْأَرْضِ بَطْنًا» و «بِالسَّعَةِ ضَيْقًا» و «بِالْأَهْلِ غُرْبَةً» و «بِالنُّورِ ظُلْمَةً»^۵.

روابط معنایی سازه‌ها

«جمله‌های مرکب همپایگی و جمله‌واره‌های^۶ همپایه معمولاً با حروف ربط و گروه‌های ربطی همپایگی به وجود می‌آیند که عبارت‌اند از حرف‌های ربط و گروه‌های ربطی: ۱- افزایش، ۲- تضاد (استدراک)، ۳- تصحیح (اضراب)، ۴- نتیجه، ۵- توالی، ۶- تناوب (تخیر یا اباحه)، ۷- یکسانی (تسویه)، ۸- نفی و مانند آن‌ها» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۳۲).

ادات همپایه‌ساز در این خطبه شامل «فَ، وَ، ثُمَّ، بَلْ، أَمْ و کَمَا» می‌باشد که هرکدام از این ادات به منظوری خاص و برای ایجاد هدفی معین میان سازه‌ها بیان شده‌اند. در میان حروف ربط همپایه‌ساز،

۱. دنیا بسیار فریبنده است و آنچه در دنیا است نیز فریبندگی دارد، فانی و زودگذر است و هر کس در آن زندگی می‌کند، فنا می‌پذیرد.
۲. دنیا بسیار زیان رساننده است، دگرگون شونده و ناپایدار، فناپذیر و مرگبار و کشنده‌ای تبهکار است.
۳. نه از زیان آنان ترسی و نه به دفاع آن‌ها امیدی وجود دارد.
۴. آیا شنیده‌اید که دنیا خود را فدای آنان کرده باشد یا به‌گونه‌ای یاری‌شان داده یا با آنان به نیکی به سر برده باشد.
۵. درون زمین را به جای سطح آن برای ماندن انتخاب کردند و خانه‌های تنگ و تاریک را به جای خانه‌های وسیع برگزیدند. به جای زندگی با خویشاوندان غربت را و به جای نور ظلمت را برگزیدند.
۶. جمله‌واره (clause) از گروهی از کلمات شامل فاعل و فعل (و مفعول) تشکیل شده است.

بیشترین سهم را حرف «واو» داشته و در میان معانی حروف ربطی نیز، ترادف پرکاربردترین معنا در حروف ربط است که بیش از بیست بار از آن استفاده شده است. نمونه‌هایی از حروف ربط با معانی مختلف:

ترادف: در این ساخت‌های همپایه، هر دو سازه در معنا و مفهوم مترادف هستند و پیام اصلی آن‌ها یکی است. در این خطبه بیشترین ارتباط از نوع ترادف است. امام (ع) پیوسته در طرح ساخت‌های همپایه مترادف از تعدد ساخت‌ها و سازه‌ها بهره می‌برد و تلاش می‌کند با استفاده از همپایگی پیام اصلی خود را در ذهن و جان شنونده جای دهد؛ از جمله:

«إِنِّي أَحَدَرُكُمْ الدُّنْيَا» فَ «إِنَّهَا حُلُوَّةٌ خَضِرَةٌ»، «حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ» وَ «تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ» وَ «رَاقَتْ بِالْقَلِيلِ»

در ساخت زیر دوازده سازه متشکل از جملات اسمیه مترادف، همگی به فنای دنیا و بی‌ارزش بودن آن تأکید دارند:

«سُلْطَانُهَا دَوْلٌ وَ عَيْشُهَا رَيْقٌ وَ عَذْبُهَا أُجَاجٌ وَ حُلُوُّهَا صَبْرٌ وَ غِذَاؤُهَا سِمَامٌ وَ أَسْبَابُهَا رِمَامٌ حَيْثُهَا بَعْرَضٌ مَوْتٌ وَ صَحِيحُهَا بَعْرَضٌ سَقَمٌ مُلْكُهَا مَسْلُوبٌ وَ عَزِيْزُهَا مَغْلُوبٌ وَ مَوْفُورُهَا مَنكُوبٌ وَ جَارُهَا مَحْرُوبٌ»

در ساخت زیر نیز ترادف سازه‌های همپایه و هماهنگ به روشنی قابل مشاهده است:

«أَعْلَمُوا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ بِأَنَّكُمْ «تَارِكُوهَا» وَ «ظَاعِنُونَ عَنْهَا» أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ «أَطْوَلَ أَعْمَاراً» وَ «أَبْقَى آثَاراً» وَ «أَبْعَدَ آمَالاً» وَ «أَعَدَّ عَدِيداً» وَ «أَكْتَفَى جُنُوداً»^۱.

در بخش مهمی از خطبه در سازه‌ها و جملات متعدد دو روی خوش و ناخوش دنیا به تصویر کشیده شده و یک ساخت همپایه طولانی شکل گرفته که شش سازه مترادف استعاری در کنار هم قرار گرفته‌اند و با وجود تنوع استعارات پیام اصلی یکی است. آن پیام مشترک این است که آسایش دنیا دوامی ندارد و به‌زودی از بین می‌رود:

«لَمْ يَكُنْ امْرُؤٌ مِنْهَا فِي حَبْرَةٍ إِلَّا أَعْقَبَتْهُ عِبْرَةٌ»^۲
وَ «لَمْ يَلْقَ فِي سَرَائِهَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحَتْهُ مِنْ ضَرَائِهَا ظَهْرًا»^۳
وَ «وَلَمْ تَطَّلْ فِيهَا دِيمَةٌ رَخَاءٍ إِلَّا هَتَنْتَ عَلَيْهِ مُزْنَةَ بَلَاءٍ»

۱. پس بدانید- و می‌دانید- که آن را ترک می‌کنید و از آن رخت برمی‌بندید؛ و پند بگیرید از آنان که گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟».

۲. کسی از دنیا شادمانی ندید، جز آن که پس‌از آن با اشک و آه روبرو شد.

۳. هنوز با خوشی‌های دنیا روبه‌رو نشده است که با ناراحتی‌ها و پشت کردن آن مبتلا می‌گردد.

وَ «إِنْ جَانِبٌ مِنْهَا اعْدُوذَبَ وَ احْلَوْلَى أَمْرٌ مِنْهَا جَانِبٌ فَأَوْبَى»
 وَ «لَا يَنَالُ أَمْرٌ مِنْ غَضَارَتِهَا رَغْبًا إِلَّا أَرْهَقَتْهُ مِنْ نَوَائِبِهَا تَعَبًا»
 وَ «وَلَا يُمَسِّي مِنْهَا فِي جَنَاحِ أَمِنٍ إِلَّا أَصْبَحَ عَلَى قَوَادِمِ خَوْفٍ»

تضاد: در ساخت‌های متضاد و متقابل، سازه‌ها در معنا و مفهوم در مقابل هم هستند، هرچند که مکمل یکدیگرند. در ساخت‌های همپایه‌ی این خطبه نیز، حرف ربط همپایه‌ساز بامعنای تضاد به کارگرفته شده است؛ از جمله:

«إِنْ جِيدُوا لَمْ يَفْرَحُوا وَ إِنْ قَحِطُوا لَمْ يَقْنَطُوا»

وَ «مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يَوْمُنُهُ وَ مَنْ اسْتَكْتَرَ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُوبِقُهُ»

نتیجه: در این ساخت‌ها، سازه‌ی دوم نتیجه‌ای برای سازه‌ی اول می‌باشد. این نوع همپایگی نیز در خطبه مورد بحث دیده می‌شود؛ از جمله: «بِئْسَتِ الدَّارُ لِمَنْ لَمْ يَتَّهَمِهَا» و «لَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ مِنْهَا» فَ «اعْلَمُوا ...». در مثال فوق ساخت همپایه دوم نتیجه ساخت اول و سومی نتیجه دو ساخت پیشین می‌باشد؛ چراکه ترس از دنیا نتیجه شناخت دنیا و فهم لزوم دل‌کندن از دنیا محصول شناخت دنیا و ترس از آن است.

اضرابی: در این ساخت‌ها گوینده در ساخت دوم، سخن خویش در ساخت اول را تصحیح نموده و سخنی ظاهراً مخالف با آن را مطرح می‌کند. به‌خاطر لطافت و زیبایی که در این نوع از همپایگی وجود دارد، امیر مؤمنان (ع) در این خطبه از آن استفاده کرده است؛ از جمله: هل بَلَّغَكُمْ أَنَّ الدُّنْيَا «سَخَتْ لِهِمْ نَفْسًا بِفِدْيَةٍ أَوْ أَعَانَتْهُمْ بِمَعُونَةٍ أَوْ أَحْسَنَتْ لَهُمْ صُحْبَةً» بل «أَرْهَقَتْهُمْ بِالْقَوَادِحِ وَ أَوْهَقَتْهُمْ بِالْقَوَارِعِ».

امام بیان می‌دارد که آیا شنیده‌اید که دنیا خود را فدای آنان کرده باشد یا به‌گونه‌ای یاری‌شان داده یا با آنان به نیکی به سر برده باشد؛ سپس از سخن خود برگشته و بیان می‌دارد که چنین نیست و شما هرگز چنین چیزی را نخواهید شنید، بلکه سختی دنیا چنان به آن‌ها رسید که پوست و گوشتشان را درید.

تناوبی (... یا ...): أ «فَهَذِهِ تُؤْتِرُونَ» أَمْ «إِلَيْهَا تَطْمِئِنُونَ» أَمْ «عَلَيْهَا تَحْرِصُونَ»^۱. در این ساخت همپایگی، به‌وسیله‌ی حرف ربط بین سه عمل تناوب ایجاد شده است.

علی: در این ساخت‌ها، ارتباط آن‌ها از نوع علی و معلولی می‌باشد و یکی علت و سبب دیگری محسوب می‌گردد که این نوع نیز در خطبه به کار گرفته شده است؛ از جمله: «فَإِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا» فَ «إِنَّهَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ».

۱. پس دنیا بد خانه‌ای است برای کسی که خوش‌بین باشد یا از خطرات آن نترسد پس بدانید که ...

۲. آیا شما چنین دنیایی را بر همه چیز مقدم می‌دارید و بدان اطمینان می‌کنید؟ یا در آرزوی آن به سر می‌برید؟

توالی (سپس): در این نوع از ارتباط همپایگی سازه دوم از نظر تحقق بعد از سازه اول قرار می‌گیرد مثلاً در: «آثروها آئی ایثار^۱» ثمَّ «ظَعَنُوا عَنْهَا بِغَيْرِ زَادٍ مُّبَلَّغٍ وَ لَا ظَهَرَ قَاطِعٍ».

نفی (نه...ونه...): «لَا يُخْشَى فَجَعُهُمْ» و «لَا يُرْجَى دَفْعُهُمْ». در این ساخت به‌وسیله‌ی حرف ربط همپایگی دو عمل نفی شده است؛ بدین معنا که نه از زبان آنان ترسی و نه به دفاع آن‌ها امیدی وجود دارد.

فَهُمْ جَبْرَةٌ «لَا يُجَبُّونَ دَاعِيًا» و «لَا يَمْنَعُونَ ضَيْمًا» و «لَا يُبَالُونَ مَنَدَبَةً».

در خطبه‌ی یکصد و یازدهم ضمن وجود تنوع در کاربرد انواع ادات ربط همپایگی با روابط متنوع معنایی، بیشترین کاربرد حروف ربط در «ترادف» دیده می‌شود.

همپایگی ترکیبی تام، جزئی و واژگانی

امام (ع) در طرح جملات این خطبه از ساخت‌های همپایه‌ی بسیاری استفاده نموده‌اند. در میان این ساخت‌ها، همپایگی ترکیبی تام کاربرد فراوانی دارد؛ منظور از همپایگی ترکیبی تام، همپایگی تمامی نقش‌های نحوی در هر ساخت است؛ بدین معنا که تمام نقش‌های نحوی سازه اول، مانند فعل، فاعل و مفعول، در سازه‌ی دوم نیز به‌طور یکسان به‌کاررفته باشد؛ اما همپایگی ترکیبی جزئی (همپایگی همه نقش‌های نحوی در هر ساخت به‌جز یک نقش یا حرف) کمتر دیده می‌شود و بسیاری از ساخت‌ها نیز تنها در بعضی از سازه‌ها و نقش‌های نحوی همپایه یکدیگر قرار گرفته‌اند که بدین صورت همپایگی در سطح یک یا چند واژه محقق شده است.

همپایگی ترکیبی تام سهم بسیاری در ساخت‌های همپایه این خطبه دارد و در ساخت‌های متعدد همپایگی از نوع ترکیبی می‌باشد. نمونه‌هایی از ساخت‌های ترکیبی تام:

«لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَ لَا تُؤْمِنُ فِجَعَتُهَا^۲».

فعل منفی + فاعل (مضاف) + مضاف‌الیه + ادات ربط + فعل منفی + فاعل (مضاف) + مضاف‌الیه

«لَا يُخْشَى فَجَعُهُمْ» و «لَا يُرْجَى دَفْعُهُمْ».

فعل منفی + نایب فاعل (مضاف) + مضاف‌الیه + ادات ربط + فعل منفی + نایب فاعل (مضاف) + مضاف‌الیه

در ساخت‌های همپایگی واژگانی، کلمات در نقش‌های مختلفی همچون مبتدا، خبر، مضاف‌الیه و ... همپایه یکدیگر قرار گرفته‌اند که نمونه‌هایی از آن‌ها آورده خواهد شد. در این خطبه نقش نحوی خبر،

۱. دنیا را بر خود ترجیح دادند!

۲. شادی آن دوام ندارد و کسی از اندوه آن ایمن نیست.

بیشترین سهم را در همپایگی ساخت‌ها دارا می‌باشد؛ از جمله خبر افعال ناقصه و خبر حروف مشبیهه بالفعل؛ لذا می‌توان گفت همپایگی واژگانی ارتباط بسیاری با همپایگی نحوی دارد.

انواع ساخت‌های همپایه در خطبه

ساخت‌های همپایه در این خطبه را می‌توان به انواع ساخت‌های همپایه اسمی و ساخت‌های همپایه فعلی و همپایگی در فروع و متعلقات تقسیم‌بندی کرد. کاربرد انواع و اشکال مختلف همپایگی در این خطبه متنوع است؛ از جمله در:

جمله اسمیه: كَمْ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ فَجَعْتَهُ و ذِي طَمَأْنِينَةٍ إِلَيْهَا قَدْ صَرَعْتَهُ و ذِي أُبْهَةِ قَدْ جَعَلْتَهُ حَقِيرًا و ذِي نَخْوَةٍ قَدْ رَدَّتْهُ ذَلِيلًا.

جمله فعلیه: لَا يُخْشِي فَجَعُهُمْ و لَا يُرْجِي دَفْعُهُمْ.

و هل زَوَدْتَهُمْ إِلَّا السَّعْبَ أو أَحَلَّتْهُمْ إِلَّا الضَّنْكَ أو تَوَرَّتْ لَهُمْ إِلَّا الظُّلْمَةَ أو أَعَقَبْتَهُمْ إِلَّا النَّدَامَةَ.

خبر: {الدنيا} غَرَارَةٌ، ضَرَارَةٌ، حَائِلَةٌ، زَائِلَةٌ، نَافِذَةٌ، بَائِدَةٌ.

خبر حروف مشبیهه بالفعل: فَإِنَّهَا «حُلُوءٌ خَضِرَةٌ»، «حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ» و «تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ» و «رَاقَتْ بِالْقَلِيلِ»^۱.

أَنْكُم «تَارِكُوها» و «ظَاعِنُونَ عَنْهَا».

حال: أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ «أَطْوَلَ أَعْمَارًا» و «أَبْقَى آثَارًا» و «أَبْعَدَ آمَالًا» و «أَعَدَّ عَدِيدًا» و «أَكْتَفَى جُنُودًا».

صفت: فَهُمْ جِبْرَةٌ «لَا يُجِيبُونَ دَاعِيًا» و «لَا يَمْنَعُونَ ضَيْمًا» و «لَا يُبَالُونَ مَنْدَبَةً»^۲.

جار و مجرور: ثُمَّ ظَعْنُوا عَنْهَا بِ «غَيْرِ زَادٍ مُبْلَغٍ» و «لَا ظَهَرَ قَاطِعٌ»^۳.

قَدْ ظَعْنُوا عَنْهَا بِأَعْمَالِهِمْ إِلَى «الْحَيَاةِ الدَّائِمَةِ» و «الدَّارِ الْبَاقِيَةِ»^۴.

جار و مجرور مقدم + نائب فاعل:

۱. با نعمت‌های زودگذر دوستی می‌ورزد و با متاع اندک زیبا جلوه می‌کند.

۲. شما آن را ترک می‌کنید و از آن رخت برمی‌بندید.

۳. همسایگانی هستند که هیچ خواننده‌ای را پاسخ نمی‌دهند و هیچ ستمی را باز نمی‌دارند و نه به نوحه‌گری توجه دارند.

۴. سپس از آن رخت برپستند و رفتند. بی‌توشه‌ای که آنان را برای رسیدن به منزلگاه کفایت کند و بی‌مرکبی که آنان را به منزلشان رساند.

۵. با اعمال خود به‌سوی زندگی جاویدان و خانه همیشگی کوچ کردند.

جُعِلَ لَهُمْ «مِنَ الصَّفِيحِ أَجْنَانٌ» و «مِنَ التُّرَابِ أَكْفَانٌ» و «مِنَ الرَّفَاتِ جِيرَانٌ»^۱.

مضاف إليه + جار و مجرور: لا تَعْدُو إِذَا تَنَاهَتْ إِلَى أُمَّنِيَّةِ أَهْلِ «الرَّغَبَةِ فِيهَا» و «الرِّضَاءِ بِهَا»^۲.

در این خطبه ساخت‌های همپایه شرطی نیز وجود دارد که ساختمان نحوی آن‌ها به صورت زیر می‌باشد:

(حرف شرط + فعل شرط مقدر + فاعل + جار و مجرور + جزای شرط + حرف ربط همپایگی + معطوف به فعل و فاعل شرط) + حرف ربط همپایگی + فعل جزای شرط + جار و مجرور + فاعل + حرف ربط همپایگی + معطوف به جزای شرط):

«إِنْ جَانِبٌ مِنْهَا اعْدُوذِبَ وَ إِحْلَوْلَى أَمْرٌ مِنْهَا جَانِبٌ» فَ «أُوبَى».

در عبارت فوق سازه‌های «اعذوذب» و «احلولی» باهم همپایه هستند و سازه‌های «أمر» و

«أوبی» باهم همپایه اند و کل ساخت جمله شرط «جانب منها اعذوذب و احلولی» با ساخت جواب

شرط «أمر منها جانب فأوبی» نیز باهم همسان‌اند.

(اسم شرط + فعل شرط + جار و مجرور + جزای شرط) + جار و مجرور + صله + حرف ربط همپایگی +

(اسم شرط + فعل شرط + جار و مجرور + جزای شرط) + جار و مجرور + صله:

«مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ» و «مَنْ اسْتَكْتَرَ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْبِقُهُ»^۳.

و (حرف شرط + فعل شرط مجهول و نائب فاعل + جزای شرط مجزوم به لم) + حرف ربط همپایگی +

(حرف شرط + فعل شرط مجهول و نائب فاعل + جزای شرط مجزوم به لم) در:

«إِنْ جَبِدُوا لَمْ يَفْرَحُوا» و «إِنْ قَطِحُوا لَمْ يَقْنَطُوا»^۴.

در جملات شرط مذکور نیز ملاحظه می‌شود امام (ع) از همپایگی به عنوان یک ویژگی سبکی بهره برده

است که البته کاربرد کمتری نسبت به جملات غیرشرطی دارد.

همپایگی موسیقایی

چنانچه ساخت‌های همپایه نحوی در یک یا چند سازه آهنگ مشترک و منسجمی داشته باشند، همپایگی

موسیقایی را ایجاد می‌نمایند. به بیانی روشن‌تر منظور از همپایگی موسیقایی، رعایت آهنگ و موسیقی

یکسان میان سازه‌های همپایه می‌باشد. یکی از ویژگی‌های سبک‌ساز خطبه‌ی یکصد و یازدهم نهج البلاغه

همپایگی موسیقایی ساخت‌ها می‌باشد که می‌توان آن را از بارزترین ویژگی‌های این خطبه دانست؛ چراکه

۱. از سطح زمین، قبرها و از خاک کفن‌ها و از استخوان‌های پوسیده، همسایگانی پدید آمدند.

۲. آنگاه که به دست آرزومندان افتاد و با خواهش‌های آنان دمساز شد، می‌نگرند که جز سرابی بیش نیست.

۳. کسی که به قدر کفایت از آن بردارد، در آرامش به سر می‌برد و آن کس که در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد وسایل نابودی خود را فراهم کرده است.

۴. نه از باران خوشحال و نه از قحط‌سالی نومید می‌گردند.

بیشتر ساخت‌های همپایه را می‌توان از طریق موسیقی آن‌ها تشخیص داد. در ساخت‌های همپایه‌ی این خطبه از انواع متنوعی از موسیقی استفاده شده است:

سجع

«سجع در نثر به‌مانند قافیه در شعر می‌باشد که به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- مطرف: دو کلمه مسجع در وزن اختلاف دارند، ۲- ترصیع: همه یا قریب به‌اتفاق کلمات در وزن و قافیه یکسان‌اند ۳- متوازی: در وزن و قافیه یکسان می‌باشند» (الفتازانی، ۱۳۹۲: ۲۰۶، ۲۰۷). یکی از بارزترین ویژگی‌های سبک‌ساز این خطبه، سجع موجود در آن می‌باشد که در بیشتر ساخت‌ها نمایان است. امام (ع) در این خطبه علاوه‌بر توجه به مضمون جملات همپایه در تأکید سخنان خویش در مذمت دنیا، موسیقی بسیار زیبایی را در میان سازه‌ها رعایت نموده و آهنگ دل‌نشینی را در سرتاسر متن ایجاد کرده است.

برای مثال دو واژه «ظلمة» و «ندامة» در نقش نحوی مفعول^۱ به پایه‌های سجع در دو سازه می‌باشند که وزن یکسانی نداشته و در واج‌های پایانی یکسان می‌باشند بنابراین **سجع مطرف** شکل گرفته است:

«... نَوَّرَتْ لَهُمْ إِيَّالَ الظُّلْمَةِ» أو «أَعَقَبَتْهُمْ إِيَّالَ النَّدَامَةِ».

در ساخت زیر نیز علاوه بر **ترصیع**، وزن شعری نیز در تمام ساختمان جملات رعایت گشته است:

«أَرْهَقْتَهُمْ بِالْقَوَادِحِ» و «أَوْهَقْتَهُمْ بِالْقَوَارِعِ»
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 در ساخت‌های زیر هم کاربرد **سجع متوازی** زینت‌بخش کلام بوده و در تقویت موسیقی لفظی و معنوی ایفای نقش کرده است:

«وَأَوَّاقٍ بِهَا قَدْ فَجَعْتَهُ» و «ذِي طُمَأْنِينَةٍ إِلَيْهَا قَدْ صَرَعْتَهُ». در این دو سازه، کلمات «فَجَعْتَهُ» و «صَرَعْتَهُ»، با وزن و واج پایانی یکسان، به عنوان دو پایه سجع متوازی قرار گرفته‌اند.

و «غِذَاؤُهَا سِمَامٌ» و «أَسْبَابُهَا رِمَامٌ^۲». در این ساخت همپایگی، پایه‌های سجع («سِمَام» و «رِمَام») با وزن یکسان و همانندی در بیشتر حروف، سبب ایجاد موسیقی زیبایی بین ساخت‌های همپایه، در نقش نحوی خیر، گشته است.

و در عبارت «غَرَارَةٌ، ضَرَارَةٌ، حَائِلَةٌ، زَائِلَةٌ، نَافِذَةٌ، بَائِدَةٌ، أَكَالَةٌ، غَوَالَةٌ»: سازه‌ها علاوه بر اینکه همگی به «ة» ختم می‌شوند، با اشتراک در وزن و حرف آخر، دوه‌دو باهم هماهنگ شده‌اند و باعث تقویت موسیقی و آهنگ لفظی شده‌اند، همچنین باعث تقویت ارتباط معنایی گشته است، چون از نظر معنا

۱. سختی دنیا چنان به آن‌ها رسید که پوست و گوشتشان را درید، با سختی‌ها آنان را سست و با مصیبت‌ها دلیل و خوارشان کرد.

۲. غذای آن زهر و اسباب و وسایل آن پوسیده است.

هم به هم نزدیک‌اند. علاوه بر این، تعدد کاربرد تشدید و تنوین، شدت آسیب‌رسانی دنیا را متناسب با محتوا القا می‌کنند.

«همچنین در این جمله تضمین مزدوج وجود دارد، زیرا سجع‌ها در یک جمله و در کنار یکدیگر به‌کاربرده شده‌اند. نیز می‌توان گفت این ساخت‌های متوالی حسن النسق را ایجاد کرده‌اند؛ به این معنا که برای یک معنا صفات متوالی و هماهنگ ذکر شده است» (خاقانی، ۱۳۷۱: ۲۴۹).

همچنین برای مثال در ساخت «ضَعَضَعْتَهُمْ بِالنَّوَائِبِ» و «عَفَّرْتَهُمْ لِلْمَنَاخِرِ» دو کلمه «نَوَائِبِ» با «مَنَاخِرِ» در نقش مجرور، دارای وزن یکسان و اختلاف در واج‌ها بوده و ایجاد موازنه نموده‌اند.

جناس

«جناس به معنای تشابه الفاظ در دو کلمه» (تفتازانی، ۱۳۹۲: ۱۹۱) یکی دیگر از آرایه‌هایی است که امام (ع) در این خطبه و در چیدمان ساخت‌های همپایه از آن استفاده نموده و در ایجاد موسیقی دل‌نشین و جذاب سازه‌های متناظر از آن بهره برده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

برای مثال جناس لاحق بین کلمات «غَرَّارَةٌ ضَرَّارَةٌ»، «سِمَامٌ و رِمَامٌ»، «مَسْلُوبٌ و مَغْلُوبٌ»، «أَرْهَقْتَهُمْ و أَوْهَقْتَهُمْ» در ساخت‌های همپایه زیر به هدف تقویت آهنگ کلام و پیوند خوردن اجزای آن در لفظ و معنا و در نهایت انتقال پیام صورت گرفته است:

«غَرَّارَةٌ ضَرَّارَةٌ»، «غِذَاؤُهَا سِمَامٌ و أَسْبَابُهَا رِمَامٌ»، «مَلِكُهَا مَسْلُوبٌ و عَزِيزُهَا مَغْلُوبٌ»، «أَرْهَقْتَهُمْ بِالْقَوَادِحِ و أَوْهَقْتَهُمْ بِالْقَوَارِعِ».

علاوه بر این‌ها برخی از انواع تکرار نیز در ساخت‌های همپایه خطبه زینت‌بخش کلام است. برای نمونه در این خطبه بعضی از جمله‌های همپایه‌ی اسمی کوتاه، به‌صورت پشت سر هم تکرار شده و سبب انسجام موسیقایی بیشتری در متن شده‌اند. این ساخت‌ها علاوه بر گوش‌نوازی متن، نوعی تأکید سخن و تثبیت آن در ذهن خواننده می‌باشد. تکرار جمله‌های اسمی تشکیل‌شده از مبتدا و خبر:

«سُلْطَانِهَا دُوْلٌ» و «عِيشِهَا رَيْقٌ» و «عَذْبُهَا أُجَاجٌ» و «حُلُوْهَا صَبْرٌ» و «غِذَاؤُهَا سِمَامٌ» و «أَسْبَابُهَا رِمَامٌ» و «مَلِكُهَا مَسْلُوبٌ» و «عَزِيزُهَا مَغْلُوبٌ» و «مَوْفُورُهَا مَنَكُوبٌ» و «جَارُهَا مَحْرُوبٌ».

۱. بینی آنان را به خاک مالید.

۲. حکومت دنیا ناپایدار و عیش و زندگانی آن تیره‌وتار است.

۳. حکومت دنیا بر بادرفته، عزیزان آن شکست‌خورده، متاع آن نکبت‌آلود و پناه آورنده آن غارت‌زده خواهد بود.

مقابله

مقابله یکی از محسنات معنوی و از عوامل تقویت موسیقی و انسجام معنوی کلام است. به این معنا که «دو معنای موافق و یا بیشتر در جمله آورده شود، سپس معنای مقابل (مخالف) آن به همان ترتیب در جمله ذکر شود» (التفتازانی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۳۹). از آنجایی که امام (ع) پیوسته تلاش می‌کند حقیقت دنیا و آخرت را در کنار هم به تصویر بکشد تا مخاطب بتواند آن‌ها را مقایسه کند و احوال و ماهیت آن‌ها را بشناسد، یکی از ویژگی‌های سبک‌ساز، فراگیر و اصلی این خطبه استفاده از مقابله در توصیف دنیا و حالات آن می‌باشد، به طوری که حدود ده ساخت همپایه در این خطبه، در برابر یکدیگر بیان گردیده‌اند که از نظر نحوی همپایه هستند؛ اما از نظر محتوایی متقابل‌اند و به نوعی تناظر و تقابل معنایی در آن‌ها دیده می‌شود؛ ضمن این که دو معنا مکمل هم هستند و دو سوی یک معنا را به تصویر می‌کشند؛ از جمله در:

«مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ» و «مَنْ اسْتَكْتَرَ مِنْهَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْبَقُهُ»

«لَا يُخْشَى فَجَعُهُمْ» و «لَا يُرْجَى دَفْعُهُمْ»

علاوه بر مقابله از موسیقی معنوی طباق نیز در ساخت‌های همپایه استفاده شده است؛ مثلاً طباق بین دو حرف در ساخت: «إِلَيْهَا تَطْمَئِنُّونَ» أم «عَلَيْهَا تَحْرِصُونَ» که بین دو حرف «إِلَى» و «عَلَى» صنعت طباق وجود دارد.

متناقض نما

متناقض نما (پارادوکس) به معنای آوردن دو واژه یا دو معنی می‌باشد که در ظاهر متناقض به نظر می‌آیند؛ به گونه‌ای که سبب آفرینش زیبایی گردد. این آرایه نیز در انسجام و جذابیت موسیقی کلام بسیار تأثیرگذار است، چون نوع برجسته‌ای از هنجارگریزی در آن ملاحظه می‌شود. امام در این خطبه از این ظرفیت و امکان زبانی نیز بهره برده است:

«عَذْبُهَا أَجَاجٌ» و «حُلُوهَا صَبِيرٌ»: گوارای آن شور و شیرینی آن تلخ است.

«جَمِيعٌ وَ هُمْ أَحَادٌ» و «جَبْرَةٌ وَ هُمْ أَبْعَادٌ»: گرد هم قرار دارند و تنه‌ایند، همسایه‌ی یکدیگرند، اما از هم دورند.

در ساخت‌های فوق تلخی و شیرینی و تنهایی و همراهی همزمان به یک موصوف نسبت داده شده، است که زیبایی خاصی ایجاد کرده است، در حالی که هر نسبتی را به جهتی خاص داده است.

همپایگی بلاغی

چنانچه دو سازه همپایه در تصویر بلاغی و نقش نحوی یکسان باشند، همپایگی بلاغی را ایجاد می‌نمایند. امام (ع) در این خطبه علاوه بر رعایت موسیقی در ساخت‌های همپایه، از صور خیال نیز بهره جسته و باعث زیباتر و منسجم‌تر شدن همپایگی شده است.

برای مثال در دو ساخت همپایه‌ی زیر همزمان با همپایگی نحوی، همپایگی استعاری و متناقض نما در هردو ساخت همپایه به خدمت گرفته شده است:

«عَذْبُهَا أَجَاجٌ» و «حُلُوُّهَا صَبْرٌ»: عَذْبٌ و حُلُوٌّ در نقش نحوی مبتدا، استعاره از لذات دنیوی است و أَجَاجٌ و صَبْرٌ در نقش نحوی خبر استعاره از حقیقت ناگوار دل‌بستگی به لذات دنیاست؛ بنابراین همپایگی مثال فوق به این صورت خواهد بود:

همپایگی نحوی = مبتدا + مضاف الیه + خیر + ادات همپایگی + مبتدا + مضاف الیه + خیر
همپایگی بلاغی ۱ = استعاره از لذات + استعاره از سرانجام لذات + ادات همپایگی + استعاره از لذات +
استعاره از سرانجام لذات

همپایگی موسیقایی ۲ = پارادوکس + ادات همپایگی + پارادوکس
همچنین در عبارت:

هل «زَوَّدْتَهُمُ (الدنیا) إِلَّا السَّغْبَ» أَوْ «أَحَلَّتْهُمْ إِلَّا الضَّنْكَ»: در دنیا استعاره مکنیه وجود دارد، زیرا دنیا به انسانی تشبیه شده است که توشه می‌سپارد و دیگری را در سختی فرود می‌آورد.
عبارت فوق از دو ساخت همپایه‌ی نحوی و استعاری تشکیل شده است که به شکل زیر قابل بیان است:

همپایگی نحوی: فعل و فاعل و مفعول + ادات استثنا + مفعول دوم + ادات همپایگی + فعل و فاعل و مفعول + ادات استثنا + مفعول دوم

همپایگی بلاغی: استعاره از پوچی و گرفتاری دنیا + ادات همپایگی + استعاره از پوچی و گرفتاری دنیا
در ساخت‌های همپایه‌ی زیر نیز همین اتفاق افتاده است و در هردو ساخت همپایه‌ی نحوی، استعاره (تشخیص) مشابه و مترادفی به خدمت گرفته شده است؛ به طوری که در هر دو استعاره، دنیا شخصیت غیرقابل اعتماد و مهلکی را داراست:

كَمْ مِنْ «وَأَثِقَ بِهَا قَدْ فَجَعَتَهُ» وَ «ذِي طُمَأْنِينَةٍ إِلَيْهَا قَدْ صَرَعَتْهُ»

در ساخت‌های همپایه زیر نیز علاوه بر همپایگی نحوی شاهد همپایگی کنایی هستیم و در هر ساخت تصویری کنایی از تقوا و عمل صالح ارائه شده که از نظر مفهوم بسیار به هم نزدیک‌اند؛ اما دو کنایه مختلف هستند؛ چون با وجود اینکه توشه و مرکب دو چیز گوناگون هستند؛ اما یک کارکرد دارند و آن این است که مسافر را به مقصد برسانند:

- ظَعُنُوا عَنْهَا بغيرِ «زَادِ مُبْلَغٍ» وَ لَا «ظَهَرَ قَاطِعٍ»

بنابراین همپایگی در مثال فوق این گونه خواهد بود:

همپایگی نحوی: مضاف‌الیه + صفت + ادات همپایگی + مضاف‌الیه + صفت

همپایگی بلاغی: کنایه از تقوا و عمل صالح + ادات همپایگی + کنایه از تقوا و عمل صالح

در ساخت‌های همپایه‌ی کنایی زیر نیز همین سبک دیده می‌شود. در این ساخت‌های همپایه که دو جمله اسمیه با حرف واو همپایه‌ی هم شده‌اند، شاهد دو تصویر کنایی همسان و قریب‌المعنی هستیم که معنای یکدیگر را تأیید و تکمیل می‌کنند و هر دو کنایه از مهلک بودن دنیا و غیرقابل‌اعتماد بودن لذات و دارایی‌های آن است: «غِذَاؤُهَا سِمْامٌ» و «أَسْبَابُهَا رِمْامٌ»

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های سبکی خطبه‌ی یکصد و یازدهم نهج‌البلاغه این است که ساخت‌های همپایه به شکل مکرر در آن کاربرد دارد.

مهم‌ترین ویژگی سبکی خطبه، همراهی همپایگی بلاغی، موسیقایی و محتوایی با همپایگی نحوی است؛ به این معنا که امام علی (ع) به‌طور همزمان ظرفیت‌های مذکور را برای خلق اثر ادبی خود به خدمت گرفته است.

امام علی (ع) از ظرفیت‌های انواع متنوعی از امکانات زبانی در ساخت‌های همپایه بهره برده است. در ساخت‌های همپایه‌ی خطبه، استفاده از همپایگی زنجیره‌ای با مفاهیم منسجم و یکپارچه در موارد متعدد مشاهده می‌شود.

منابع

- نهج البلاغه، (۱۳۸۶)، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: عطر آگین، چ ۱.
- البغدادی، أبو الفرج قدامة بن جعفر (۱۳۵۰)، *جواهر الألفاظ*، به تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السعادة، ط ۱.
- اس‌فالك، جولیا (۱۳۷۲)، *زبان‌شناسی و زبان؛ بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی*، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، چ ۳.
- التفتازانی، سعدالدین (۱۳۹۲)، *شرح المختصر*، مج ۲، قم: دارالحکمه، ط ۱۵.
- العسکری، أبوهلال (لاتا)، *الصناعتین: الكتابة و الشعر*.
- حق‌شناس، محمدعلی (۱۳۷۰)، *مقالات ادبی، زبان‌شناختی*، تهران: نیلوفر، چ ۱.
- خاقانی، محمد (۱۳۷۱)، *جلوه‌های بلاغت در نهج البلاغه*، تهران: سخن، چ ۱.
- شمیسا، سیروش (۱۳۷۸)، *کلیات سبک‌شناسی*، تهران: فردوس، چ ۱.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰)، *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چ ۲.
- شعبانی، منصور (۱۳۸۹)، «ساخت همپایگی: با نگاهی به زبان فارسی»، *مجله ادب پژوهی*: پاییز ۸۹، شماره ۱۳.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۴)، *بیوند در زبان فارسی (بررسی یک مبحث دستوری)*، *مجله ادبیات و زبان‌ها*: تیر ۴۴، شماره ۱۹.
- ————— (۱۳۵۵)، *پژوهشی در نحو فارسی امروز: حروف و اقسام آن در زبان فارسی*، *مجله ادبیات و زبان‌ها*: خرداد ۵۵، شماره ۳۹.
- ————— (۱۳۸۲)، *دستور مفصل امروز، تهران سخن*، چ ۱.
- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۲)، *سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)*، تهران: سخن، چاپ دوم.